

## اصول محاکمات حقوقی

لیکن نمی‌توانند بخلاف آنچه که معاينه شده اعتراض کنند اگر در موقع ترتیب صورت معاينه حاضر بوده و آن اعتراض را نکرده‌اند.

صورت معاينه از اسناد رسمی محسوب شده و بهمین جهت نمی‌توان بوسیله شهادت اشخاصی که درحین معاينه حاضر نبوده‌اند و یا حاضر بوده و در موقع ترتیب صورت مجلس اعتراضات خود را قید نکرده‌اند تکذیب کرد.

در کشور فرانسه بکنوع معاينه محل باسم معاينه محل غیر رسمی پیش‌بینی شده بموجب آن قاضی در جلسه محاکمه بدون اینکه اطراف دعوی قبلاً سابقه داشته باشند تصمیم معاينه محل را گرفته و فوراً در محل حاضر شده و اطلاعات مورد احتیاج را کسب میکنند.

در اینگونه موارد چون تصمیم و اجرای آن فوری بوده و اصحاب دعوی وقت ندارند که قبلاً در محل حاضر شده و زمینه مساعدی برای خود فراهم کنند برای معاينه محل اعتبار بیشتری را میتوان قائل شد شاید این اختیار را برای دادگاه‌های ایران از مواد مربوط بتأمین دلیل بتوان استفاده نمود. توضیح آنکه بموجب ماده ۲۶۰ اصول محاکمات حقوقی مواد عمومی... و تأمین دلایل... بترتیبی است که در مواد ۵۶ الی ۶۷ مقرر است و از مفاد ماده ۵۹ راجع بتأمین دلیل استنباط می‌شود در هر مورد که معاينه محلی فوریت داشته باشد بطوریکه بعدها استفاده از معاينه محل متعذر بشود ممکن است دادگاه بترتیبی که برای تأمین دلیل مقرر است بمعاينه محل اقدام نماید ولی این اقدام غیر از معاينه محلی است که در ماده ۲۱۸ آزمایش ذکر شده و تابع تشریفات مذکور در فوق نیست.

چه وقت عقیده خبره قطعی است؟

۱ - در موردیکه اطراف دعوی قبلاً قرار داد کرده باشند که عقیده خبره را قاطع دعوی بدانند خبره حکم حکم مرضی الطرفین را پیدا کرده و عقیده خبره قطعی است.

۲ - در موردی که دادگاه انتظامی و کلاء تعیین میزان حق الوکاله را برحسب ماده ۲۷ آئین‌نامه قانون وکالت مینماید اگر رأی صادره را بمنزله عقیده خبره تلقی کنیم دادگاه مکلف است بآن ترتیب نرهد و نمیتواند خبره دیگری تعیین نماید زیرا آئین‌نامه فقط دادگاه انتظامی و کلاء را برای تعیین میزان حق الوکاله صالح شناخته است.

### معاينه محل

در بعضی از دعاوی مربوط بهین منقول مثل دیوار مشترک یا حق ارتفاق معاينه محل اهمیت زیادی در تصمیم دادگاه دارد. قرار معاينه محل را حاکم دادگاه میتواند بنظر خودش یا بخواهش یکی از متداعیین بدهد در اینصورت یا خود بمحل رفته و یا بتوسط عضو علی‌البدل آن را انجام میدهد. در صورتیکه محل معاينه خارج از مقر دادگاهی باشد که رسیدگی بدعوی مینماید اجرای قرار را ممکن است بحاکم بدایت و یا حاکم صلح محول نمود.

قرار دادگاه باید محل و موضوع و وقت معاينه را حاوی باشد پس از اجرای قرار صورتی از محل نوشته شده و بامضاء کسی که از طرف دادگاه معاينه نموده و اطراف دعوی میرسد برای روشن شدن قضیه در صورت لزوم نقشه محل بصورت مجلس پیوست میشود.

صورت معاينه محل در جلسه محاکمه قرائت میشود و طرفین حق دارند نسبت بمعاينه توضیحات شفاهی بدهند

۳ - توسعه دعوی .

توسعه دعوی ممکن است نسبت به مدعی به بعمل آمده و یا نسبت به شخصیکه در دعوی شرکت میکنند انجام گیرد .  
 ۱ - توسعه دعوی نسبت به مدعی به

به موجب ماده ۴۱ آ آزمایش مدعی میتواند تقاضای اولی خود را که در عرضحال تصریح کرده است کم و بیش کند و نیز میتواند آنرا زیاد کند یا ماهیت تقاضای خود را تغییر دهد یا تقاضائی کند که از عرضحال او مستقیماً مفهوم حاصل نیست مشروط بر اینکه منشاء این دعاوی همان منشاء ادعای اولی و مربوط بآن باشد در اینصورت باید تقاضای خود را قبل از روز جلسه اطلاع دهد - مدیر دفتر و نوشت این تقاضا را با پیوست های آن در ظرف دوازده روز بعد از ابلاغ کرده و مشارالیه در ظرف پنج روز باید پاسخ خود را بدفتر دادگاه برساند و مدیر دفتر در صورتیکه موقع تعیین جلسه رسیده باشد تعیین جلسه کرده بملرفین اطلاع دهد و نوشت جواب مدعی علیه را نیز در ضمن ابلاغ وقت برای مدعی ارسال دارد . اگر قانون نخواست است بطور کلی اجازه دهد که

مدعی بدخواه خود بدون هیچگونه شرطی بدعوی خود چیزی اضافه کند برای اینست که مواعد قانونی ( بیشتر از نظر مدعی علیه مقرر شده تا او بتواند وسائل دفاع خود را تهیه کند ) رعایت گردید ، تا مدعی نتواند در آخر وقت مدعی علیه را غفلت گیر نموده و حرفهای تازه اظهار نماید و مدعی علیه نظر بکمی فرصت تواند از عهده انجام دفاع بر آید و حال آنکه با وجود شروط مذکور در ماده ۴۱ آزمایش ( وحدت منشاء دعوی و ارتباط دعوی اول بدعوی اضافی ) چون دفاع از دعوی اضافی با دفاع از دعوی اصلی بر روی یک پایه قرار دارد دیگر مدعی علیه در معرض غفلت گیر شدن نمی باشد .

مثال دعوی اضافی

مدعی اصل طلب خود را در عرضحال قید میکند سپس قبل از جلسه اول منافع طلب خود را نیز اضافه می نماید این دعوی اضافی محسوب است و میتواند بدعوی اصلی اضافه شود زیرا منشاء آن با دعوی اصلی یکی است و ارتباط تامی

بین دعوی اصلی و این دعوی موجود میباشد .

مثال دوم

زنی از شوهر خود نفقه تا روز عرضحال را مطالبه می کند سپس قبل از اولین جلسه نفقه بین روز عرضحال و روز جلسه را تقاضا می نماید اضافه کردن چنین مدعی به نیز نظر بوحدت منشاء و وجود ارتباط تام بین دعوی اصلی و دعوی اضافی اشکالی ندارد .

توسعه دعوی - از جهت کماتیکه در محاکمه شرکت میکنند - دخول شخص ثالث - جلب شخص ثالث .

دخول شخص ثالث وقتی است که کسی در محاکمه شرکت نداشته بملاحظه نفعی که برای او متصور است وارد در دعوی میشود .

جلب شخص ثالث وقتی است که یکی از اصحاب دعوی نفع داشته باشد که شخص ثالثی را در محاکمه جلب کند در چنین موردی شخص ثالث هم در دخول دعوی نفع دارد .

دخول شخص ثالث

آثار يك دعوی ممکن است نتیجه متوجه شخص ثالثی شود در چنین موردی طبیعی است که شخص ثالث میتواند از نظر حفظ منافع خود وارد دعوی شود . البته اگر حکمی بدین دخلت شخص ثالث صادر شود نسبت باو مؤثر نبوده و برایش میسر است که از طریق اعتراض شخص ثالث بر حکم آن را مورد اعتراض قرار دهد ولی بهتر اینست قبل از اینکه کار بصدر حکم برسد اجازه شرکت شخص ثالث را در دعوی بدیم ضمن رسیدگی و حکمی که صادر میشود نفع شخص ثالث هم رعایت شده باشد .

چه کسانی میتوانند بعنوان شخص ثالث دخالت نمایند

دخول شخص ثالث اقامه دعوی محسوب میشود بنابراین این کسی که بعنوان شخص ثالث داخل میشود باید دارای اهلیت و عنوان قانونی و نفع باشد فقط چیزی که هست برای نفع باید در اینجا مفهوم وسیعی را قائل شد همیشه

که در اثر دعوی ممکن است خساراتی بکسی برسد او میتواند دخالت نماید .

### جریان دخول شخص ثالث

کسیکه برای خود مستقلاً حقی قائل باشد یا خود را ذی نفع در محق شدن یکی از طرفین میدانند می تواند در هر مرحله از مراحل کار مادام که اعلان ختم محاکمه نشده است وارد دعوی گردد اعم از اینکه دعوی در مرحله بدوی مطرح باشد و یا در مرحله استینافی در اینصورت شخص نامبرده باید بدادگاهی که دعوی در آنجا مطرح است عرض حال داده و منظور خود را تصریح نماید .

### ایراد طرفین دعوی

اگر طرفین دعوی بدخول شخص ثالث ابرادی نداشتند اشکالی درین نیست ولی اگر ایراد داشتند میتوانند اظهار نموده در اینصورت دادگاه باید قبل از ورود در اساس دعوی تکلیف ایراد مذکور را معین نماید .

### آثار دخول شخص ثالث

اگر دخول شخص ثالث بر حسب مورد مختلف است گاهی شخص ثالث دخالت میکند برای اینکه حقی را مستقلاً بجهت خود قائل است در اینصورت شخصاً عنوان مدعی را داشته و ترك دعوی از طرف مدعی اصلی تغییری در وضعیت او نمی دهد گاهی دخالت او برای اینست که ذی نفع در محق شدن یکی از طرفین دعوی می باشد در اینصورت چیز دیگری جز صدور حکم بنفع کسیکه بکس او اقدام می کند نمیخواهد بنا بر این ترك دعوی با صلح از طرف مدعی یا مدعی علیه اصلی در صورتیکه دیگر موردی برای رجوع باو نباشد کار را تمام کرده و محلی برای دخالت او نمی گذارد .

یکی دیگر از تفاوتهایی که بین دخالت بعنوان مستقل و دخالت برای کمک بدیگری موجود میباشد اینست که در مورد اول موعد نمود روز مذکور در ماده ۱۶ قانون ثبت اسناد که برای حق اعتراض تعیین شده نسبت باولی جاری ولی کسیکه بعنوان کمک داخل دعوی میشود می تواند در هر موقع

بدون رعایت مدت مزبور وارد شود .

### تفکیک دعوی ثالث از دعوی اصلی

بموجب ماده ۱۶۸ قانون آزمایش در مورد دخول شخص ثالث دادگاه میتواند حکم راجع بدعوی اصلی را برای رسیدگی بدعوی شخص ثالث بتأخیر نیانداخته و پس از صدور آن حکم بدعوی شخص ثالث رسیدگی نماید و این تفکیک در صورتی جایز است که دعوی اصلی در موقع ورود شخص ثالث قسمت عمده ای از مراحل خود را پیموده و قریب بختم باشد .

تفکیک دعوی اصلی از دعوی فرعی خالی از اشکال نیست مثلاً فرض کنیم که دعوی بمرحله ختم رسیده باشد و دادگاه حکمی بر له مدعی صادر نماید و از این حکم استیناف خواسته و در دادگاه استیناف مطرح باشد سپس در اثر رسیدگی بعدی نسبت بدعوی ثالث در دادگاه بدایت معلوم شود که مدعی در ادعای خود محق نیست در چنین صورتی دادگاه بدوی چگونه عمل نماید . آیا همانطور که در مورد اعتراض شخص ثالث بر حکم اقدام میکند حکم بدوی را فسخ کرده و حکم جدیدی صادر نماید . چنین اقدامی اشکال دارد زیرا اعتراض بر حکم وقتی است که قضیه در دادگاهی مطرح نباشد که بتوان در آنجا بعنوان شخص ثالث داخل شد ولی مطابق فرضی که ما کردیم اصل قضیه در استیناف مطرح و دخول شخص ثالث در استیناف اشکالی ندارد اگر حکم اصلی را فسخ نکنند مجبور میشود حکم جدیدی صادر کنند که با حکم اولی متناقض است . برای اینکه این اشکالات پیش نیاید بهتر اینست که دادگاه ها از این اختیار استفاده ننموده و دعوی اصلی را از دعوی ثالث تفکیک نمایند .

### جلب شخص ثالث

جلب شخص ثالث وقتی است که یکی از اصحاب دعوی شرکت شخص ثالثی را در دعوی لازم می داند جلب شخص ثالث بیشتر وقتی پیش می آید که مدعی علیه دعوی از ضمانت شخص ثالثی استفاده مینماید مثلاً کسی از دیگری

روز جلسه حاضر نشد و طرف او تقاضای رسیدگی غیابی نکرد طرفی که خواستار جلب شده میتواند در حین جریان محاکمه اصلی یا پس از ختم آن مستقلاً اقامه دعوی بر او بکند.

شخص ثالث مدعی علیه محسوب است - بموجب ماده ۱۶۲ آزمایش شخص ثالثی که جلب میشود مدعی علیه محسوب و تمام مقررات راجع بمدعی علیه درباره او جاری است آیا منظور از این ماده اینست که شخص ثالث مدعی علیه دعوی اصلی است و یا فقط مدعی علیه دعوی ثالث است این بحث دارای ثمره عملی نیز هست زیرا اگر مجلوب ثالث را مدعی علیه دعوی اصلی بدانیم در صورت غیبت مدعی باید بتواند تقاضای ابطال عرضحال او را نماید و اگر فقط مدعی علیه دعوی ثالث باشد این حق برای او متصور نیست - و نیز در صورت اول اگر مدعی محکوم شد حق مطالبه خسارت را از او دارد و در صورت ثانی این حق برای او شناخته نمیشود اصول محاکماتی که در شرف تصویب است مقرراتی برای جلب شخص ثالث در محاکمات اختصاری و نسبت به محکوم علیه غیابی پیشبینی نموده.

در محاکمات اختصاری هرگاه یکی از اصحاب دعوی بخواهد درخواست جلب ثالث نماید باید تا آخر جلسه اول اظهار کرده و عرضحال آن را در ظرف سه روز پس از جلسه بدفتر دادگاه بدهد.

محکوم علیه غیابی در صورتیکه بخواهد درخواست جلب ثالث نماید باید عرضحال جلب ثالث را با عرضحال اعتراض توأمأ بدفتر دادگاه بدهد و نیز معترض علیه حق دارد تا جلسه اول رسیدگی بحکم غیابی عرضحال جلب ثالث تقدیم نماید.

حواشی مربوط به قاضی - امتناع و رد حکام عدلیه

رد حکام عدلیه وقتی است که طرفی نظر به نفعی که حاکم قضیه در دعوی دارد تقاضا می کند که از رسیدگی خودداری نماید جهات رد حکام عدلیه در ماده ۶۶ آزمایش ذکر شده است.

ملکی را میخرد و دیگری نسبت بانملك ادعای مالکیت میکند مدعی علیه کسی که مال را از او تلقی کرده است بعنوان ضمان درك جلب مینماید تا اگر در قبای دعوی مدعی محکوم شد شخص ثالث نیز در قبیل او در ضمن همان محاکمه محکوم شده و بتواند بعداً از طریق اعتراض بر حکم اقدام نماید بعلاوه شخص ثالث با شرکت خود ممکن است دلائل جدیدی مبنی بر مالکیت خود اقامه کرده باین ترتیب بمدعی علیه کمک کند.

### جریان جاب شخص ثالث

هر يك از اصحاب دعوی که جلب شخص ثالثی را لازم بدانند باید بموجب عرضحال از دادگاه درخواست جلب آن شخص را بنمایند عرضحال جلب شخص ثالث اگر از طرف مدعی علیه داده شده از روز ابلاغ عرضحال تا موعدی که برای دادن لوایح جوابیه و اگر از طرف مدعی است تا آخرین موعدی که برای دادن پاسخ بلاوجه مدعی علیه مقرر است پذیرفته میشود؛ مدیر دفتر دادگاه تا دوروز پس از وصول این عرضحال باید يك نسخه آنرا بامدارك جلب برای طرف دیگر و يك نسخه را برای شخص ثالث بفرستد.

جریان محاکمه در مورد جلب شخص ثالث مانند جریان محاکمه اصلی است - آیا میتوان عرضحال جلب شخص ثالث را رد نمود؟

در مواد قانون مربوط بجلب شخص ثالث ماده صریحی نسبت باین موضوع دید، نمیشود ولی بر طبق اصول کلی باید طرف دعوی حق داشته باشد نسبت به تقاضای جلبی که میشود ایراد نماید در اصول محاکماتی که در شرف تصویب است این قسمت قید شده مخصوصاً در ماده ۲۶۳ تصریح گردیده که قرار رد عرضحال جلب فقط با حکم راجع باصل دعوی قابل استیناف است و در صورتیکه قرار در مرحله استینافی فسخ شود رسیدگی پس از فسخ قرار با دعوی اصلی در دادگاه استیناف بعمل می آید.

هرگاه شخص ثالث در موعده مقرر پاسخ نداده و یا در